

قانون آیین دادرسی کیفری

در نظم حقوق کنونی

(مصرف ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴)

تألیف:

رامین باستانی، آرباطان

دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

دانشگاه علامه طباطبائی، دانش دادگستری



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه	پایرامی آرباطان، رامین.
عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی.../ تالیف رامین پایرامی آرباطان.
مشخصات نشر	تهران: مجد، ۱۳۹۵.
شابک	۸-۶۵۴-۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	آیین دادرسی جزایی -- ایران
موضوع	حقوق جزا -- ایران
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ ق ۲۷ ب/۴۶۱۰ KMH
رده بندی دیوید	۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابساز ملی	۴۳۷۹۳۲۸

هرگونه تکرار کاملاً غیرمستحب است. این کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
وارد تلافی را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی

تألیف: رامین پایرامی آرباطان

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۵ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان وحید نظر و ۱۲، فروردین پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۴۶۳۸۰

شابک: ۸-۶۵۴-۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-193-654-8

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم، سن: ۹۰۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منبری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷، سن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۰۳۱۶۶۴۹۰۹۹۸
فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
بخش اول: کلیات	۱۹
فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن.....	۱۹
فصل دوم: دعوی عمومی و دعوی خصوصی.....	۵۴
بخش دوم: سیستم دادرسی و تحقیقات مقدماتی	۱۲۷
فصل اول: دادسرا و حدود صلاحیت آن.....	۱۲۷
فصل دوم: ضابطه دادرسی و تکالیف آنان.....	۱۴۱
فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان.....	۲۳۰
فصل چهارم: وظایف و اختیارات بازپرس.....	۳۲۶
مبحث اول: اختیارات بازپرس و حدود آن.....	۳۲۶
مبحث دوم: صلاحیت بازپرس.....	۳۷۶
فصل پنجم: معاینه محل، تحقیق معنی، بازرسی و کارشناسی.....	۳۸۹
فصل ششم: احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان.....	۴۵۱
مبحث اول: احضار، جلب و تحقیق از متهم.....	۴۵۱
مبحث دوم: احضار و تحقیق از شهود و مطلعان.....	۵۲۲
فصل هفتم: قرارهای تأمین و نظارت قضایی.....	۵۴۶
فصل هشتم: اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات.....	۶۴۸
فصل نهم: تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان.....	۶۸۶
فصل دهم: وظایف و اختیارات دادستان کل کشور.....	۶۹۶
بخش سوم: دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی	۷۰۵
فصل اول: تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری.....	۷۰۵
فصل دوم: رسیدگی به ادله اثبات.....	۷۹۳
فصل سوم: رسیدگی در دادگاه‌های کیفری.....	۸۰۶
مبحث اول: کیفیت شروع به رسیدگی.....	۸۰۶
مبحث دوم: ترتیب رسیدگی.....	۸۴۸

۶ قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی

۸۶۷	مبحث سوم: صدور رأی
۸۷۷	فصل چهارم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک
۸۷۷	مبحث اول: مقدمات رسیدگی
۸۸۹	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۸۹۶	مبحث سوم: صدور رأی
۹۰۱	فصل پنجم: رأی غیابی و واخواهی
۹۱۱	فصل ششم: رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان
۹۱۱	مبحث اول: تشکیلات
۹۱۳	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۹۲۱	فصل هفتم: احاله
۹۲۶	فصل هشتم: رد دادرسی
۹۳۵	بخش پنجم: امر نهی به آراء
۹۳۵	فصل اول: دیات
۹۷۴	فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان
۹۹۵	فصل سوم: کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور
۱۰۲۰	فصل چهارم: اعاده دادرسی
۱۰۴۳	بخش پنجم: اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی
۱۰۴۳	فصل اول: کلیات
۱۰۸۱	فصل دوم: اجرای مجازات حبس
۱۱۱۰	فصل سوم: اجرای محکومیت‌های مالی
۱۱۲۹	فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری
	فصل پنجم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تأیید صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک
۱۱۴۶	
۱۱۵۳	بخش ششم: هزینه دادرسی
۱۱۶۳	بخش هفتم: سایر مقررات
۱۱۶۹	بخش هشتم: آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح

فهرست مطالب □ ۷

فصل اول: کلیات	۱۱۶۹
فصل دوم: تشکیلات دادسرا و دادگاههای نظامی	۱۱۷۳
فصل سوم: صلاحیت	۱۱۷۸
فصل چهارم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی	۱۱۸۴
مبحث اول: ضابطان نظامی و تکالیف آنان	۱۱۸۴
مبحث دوم: کارشناسی	۱۱۸۷
مبحث سوم: احضار	۱۱۸۸
مبحث چهارم: قرار بازداشت موقت	۱۱۸۹
مبحث پنجم: مرور زمان	۱۱۹۳
فصل پنجم: وکالت، دادسرا و دادگاه نظامی	۱۱۹۵
فصل ششم: ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی	۱۱۹۶
فصل هفتم: تجدیدنظر و اعاده دادرسی	۱۲۰۱
فصل هشتم: اجرای احکام	۱۲۰۴
فصل نهم: زندان ها و بازداشتگاه های نظامی	۱۲۰۷
بخش نهم: دادرسی الکترونیکی	۱۲۰۹
بخش دهم: آیین دادرسی جرائم رایانه ای	۱۲۲۱
بخش یازدهم: آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی	۱۲۴۵
بخش دوازدهم: سایر مقررات	۱۲۵۳
پیوست	۱۲۵۹
فهرست منابع و مآخذ	۱۲۶۳

نشان‌های اختصاری

ق. ا. د. ک.	قانون آیین دادرسی کیفری؛ مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ و الحاقی ۱۳۹۳/۷/۸
ق. م. ا.	قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ و ۱۳۷۵
ق. ت. د. ع. ا. ک.	قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ مصوب ۱۳۷۳
ق. ا. ق. ت. د. ع. ا. د.	قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ مصوب ۱۳۷۳
ق. ت. م. م. ا. ا. ک.	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷
ق. ا.	قانون اساسی؛ مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحی ۱۳۶۸
ق. م.	قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷ و اصلاحات بعدی
ق. ا. د. م.	قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹
ق. ت.	قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱ و ۱۳۴۷
ق. ن. ر. ق.	قانون نظارت بر رفتار قضات؛ مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷
ق. ح. خ.	قانون حمایت از خانواده؛ مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۹
ق. م. ق. ک. ا.	قانون نحوه اجرای محکومیت‌ها؛ مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۱۸ و اصلاحی ۱۳۹۴
ق. ا. ح.	قانون امور حسبی، مصوب ۱۳۱۹
ق. ا. ا. م.	قانون اجرای احکام مدنی، مصوب ۱۳۵۶ و اصلاحی ۱۳۹۴
ق. ج. ر.	قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸
ق. م. ج. ن. م.	قانون مجازات جرایم نیردهنده سلاح، مصوب ۱۳۸۲
ق. ن. ا. م. م.	قانون نحوه اجرای محکومیت‌ها؛ مصوب ۱۳۹۴
ن. م. ا. ا. ح. ق. ق.	نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه
ح. ج. ع.	حقوق جزای عمومی
ا. د. ک.	آیین دادرسی کیفری
ق. م. ا. ن. ح. ک.	قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی
ش. ق. م. ا.	شرح قانون مجازات اسلامی
ش.	شماره
ج.	جلد
ر. ک.	رجوع کنید
ص.	صفحه

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم
فاتحه فکرت و ختم سخن نام خدای است بر او ختم کن
« مخزن الاسرار نظامی گنجوی »

پیشگفتار

« ... إِنَّ لِحُكْمِ اللَّهِ إِلَهُ يَفْصُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ »

« حکم و فقه در دست خدا نیست که حقیقت را بیان می کند و او بهترین داوران است »

باید بگوییم که اجتماع انسانها در کنار همدیگر، هرچند با فواید متعدد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همراه بوده و موجب رفع نیازهای متعدد و پیشرفت جامعه در تمامی مسائل زندگی گشته است، لیکن یکی از آثار و پیامدهای نامطلوب و غیر قابل انکار تجمع انسانها در نزد یکدیگر، شکاف و نطفه کج رفتاریها و ناهنجاریها و نقض ارزشهای مرسوم جامعه و در نتیجه، تولد واقعه بزهکاری در بطن جامعه است. جرم به عنوان یک واقعه انسانی - اجتماعی - زادین تعاملات و معاشرتهای اجتماعی افراد با یکدیگر است. این پدیده ناخجسته اجتماع را، برف نظر از آنکه تا چه میزان و در کدام زمینه (مالی، حیثیتی، جانی، اعتقادی - دینی، امنیت و ...) و توسط چه کسانی و با چه انگیزهها و با کدامین ابزارها و روشهایی رخداد می یابد، نیازمند مبارزه و مقابله و ریشه کن نمودن یا به حداقل رساندن شیوع و رشد آن است؛ چرا که جرم همانند یک بیماری است که اگر با ابزارهای مناسب در صدد مقابله با آن برنیاییم، به زودی بی نظمی و هرج و مرج دامنگیر تمامی ساختار جامعه شده و دوام و بقای حکومت را به مخاطره خواهد انداخت. از دیرباز، یکی از ابزارهای مقابله حکومتها با پدیده بزهکاری آن بوده است که مصادیق جرم در متن قانون مجازات تعریف گردد و برای مرتکبان آن، کیفری در نظر گرفته شود. مع هذا، تعریف جرم و اعمال کیفر به تنهایی کافی نبوده است. بلکه لازمه ی چنین امری آن بود که یک حکومت اقدام به

تأسیس و تشکیل عدالتخانه‌ها و مراجعی می‌نمود تا مردم با مراجعه به آن مکان، از انتقام خصوصی و بی‌نظمی‌ها و بزهکاری‌های ثانویه‌ای که در مقام انتقام خصوصی واقع می‌گشت، خودداری نمایند تا تعقیب، تحقیق و محاکمه و اجرای کیفر علیه بزهکار، در قالب آیین دادرسی کیفری ویژه‌ای که در کنار قانون مجازات تعریف و تصویب شده بود، توسط خود حکومت و مأموران حکومتی انجام بگیرد تا ضمن برقراری نظم و آرامش در جامعه، بزه‌دیده و متهم، هیچ کدام احساس ظلم و ناعدالتی ننمایند.

چنانکه گفتیم، ایجاد امنیت و آرامش در جامعه نه تنها در گرو آن است که بزهکار بخاطر ارتکاب جرم متحمل کیفر گردد، بلکه ضروری است که واکنش جامعه نسبت به واقعه مجرمانه نسجیده و خارج از آیین دادرسی کیفری نباشد. حال پرسش آن است که کدام آیین دادرسی کیفری کامل و مطلوب بوده و می‌تواند اهداف حقوق کیفری را تأمین نماید؟ ران لارگیه در کتاب آیین دادرسی کیفری فرانسه در پاسخ به پرسش اخیر، معتقد است: «آیین دادرسی‌ای که فقط تمام مجرمین را به کیفر اعمال خود برساند ... اما در جنبه حلقه‌های مستحکمی با خطر دستگیری افراد بی‌گناه مواجه هستیم. پس برای جلوگیری از چنین خسارتی و نیز، حفظ آزادی‌های فردی، می‌بایستی حلقه‌های آیین دادرسی کیفری را برای عموم تشریح نماییم و این دیدگاهی ملایم در آیین دادرسی کیفری است، البته نباید فراموش کرد که چنین دیدگاهی، باعث سوء استفاده مجرمین حرفه‌ای از قانون می‌شود.»^۱

بایستی صادقانه متذکر گردیم که دستیابی به اهداف حقوق کیفری، که همان برقراری نظم و آرامش و ایجاد امنیت در جان، مال، آزادی، حیثیت، اعتقادات دینی و تضمین حقوق و آزادی‌های افراد و مقابله با بزهکاری است، را این نخواهد شد، مگر آنکه حکومت بتواند اصول و قواعد دادرسی و نهادهای تعقیب و محاکمه و اجرای کیفر و عوامل انسانی فعال در نهادهای مذکور - اعم از اصحاب کارمندان قضایی، ضابطین دادگستری و ... - را به شیوه‌ای صحیح گرد هم جمع نماید تا با انجام محاکمه‌ای عادلانه، جامعه، بزه‌دیده و بزهکار، از فرایند دادرسی احساس رضایت خاطر نمایند تا کمترین بزهکاری، ناعدالانه محاکمه شود و کمترین

۱ - ران لارگیه، (۱۳۷۸)، آیین دادرسی کیفری، ترجمه: حسن کاشفی، تهران: گنج دانش، ص ۲۳.

بزه‌دیده‌ای از بی عدالتی در محاکمه متهم تشفی خاطر حاصل نمایند و کمترین شهروندی از نحوه عملکرد مراجع قضایی، ناخشنود گردد.

به هر حال، قوانین متعددی در زمینه آیین دادرسی کیفری در کشورمان، با هدف دستیابی به اهداف مزبور تدوین و تصویب شده اند تا با ایجاد تشکیلات دادرسی کیفری و تأسیس دادسراها و دادگاههای کیفری و تدوین اصول و ترتیبات دادرسی، ابزاری شوند که با استمداد از قانون مجازات، از چهره عدالت غباری بزداید و سیمای آفتاب به هجارشکنی و بزهکاری جامعه را پاک نماید. در این مسیر، قوانین متعدد آیین دادرسی کیفری، از بیش از یک صد سال پیش تا سال ۱۳۹۴، تصویب و اصلاح شده و به مره روزه، دایم‌الزمان یکدیگر شده اند. اولین قانون شکلی کیفری در کشورمان، رای اول بار در سال ۱۲۹۰ شمسی تحت عنوان قانون موقت اصول محاکمات جزایی به تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی رسید. قانونی ۴۹۲ ماده‌ای که در نهایت با ۵۰۲ ماده در روز پنج شنبه ۱۱ شهریور ماه ۱۲۹۰ از طرف دولت وقت به وزیر عدلیه ارایه و پس از حله اجرا درآمد. قانون مزبور بیشتر از ۶۰ سال بر نحوه انجام دادرسی کیفری در ایران مجری بود تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در راستای عملیاتی نمودن اصل قانون اساسی و به منظور اصلاح و تطبیق ترتیبات و مقررات دادرسی کیفری با احکام شرعی اقدامات و تلاش‌های متعددی صورت گرفت و قوانین آیین دادرسی کیفری متعددی تا سال ۱۳۹۴ شمسی تصویب گردید. در بیان خلاصه‌ای از سیر تحولات در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری بعد از انقلاب اسلامی و در راستای اجرای اصل ۴ قانون اساسی، روم تطبیق قانون آیین دادرسی کیفری با اصول و مقررات شرعی (در ابتدا، لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی در مورخه ۱۳۵۸/۶/۲۰ تصویب شد و در مدت زمان اندکی با هدف تغییر عنوان «شورای انقلاب» به دادرسی عمومی، ماده واحده لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی؛ مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۰ تصویب شد. سپس، قانون اصلاح رای دای از قوانین دادگستری در مورخه ۱۳۵۶/۳/۲۵ وضع گردید. بعد از چند سال، با تصویب شدن قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری در مورخه ۱۳۶۱/۶/۶ و با اصلاحات و الحاقات آن در مورخه ۱۳۶۴/۳/۲۶، دادگاههای کیفری به یک و دو تقسیم بندی شدند و بعد از آن، قوانین متعدد دیگری همچون، قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاهها مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱، قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور، مصوب ۱۳۶۸/۳/۳۱، قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها

۱۲ □ قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی

مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۷، قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و اصلاحات آن در مورخه ۱۳۸۱/۷/۲۸ و نهایتاً، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ تصویب شد.

با این همه، در تمامی سالها و ادوار حاکمیت قوانین آیین دادرسی کیفری مذکور، نظام قضایی ایران همواره از پاره ای ایرادات شکلی و تشکیلات قضایی در مراحل مختلف تعقیب و تحقیق و محاکمه متهم رنج می برد. از این رو، وجود برخی کاستی ها و نواقص و ابهامات موجود در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ و عدم تکافو و رفع نیازها و خلاءهای موجود در زمینه تشکیلات قضایی و ترتیبات رسیدگی ابهامات در تشکیلات قضایی و ترتیبات شکلی کفایت از سهی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۷، موجب گشت تا مقنن ایرانی به فکر تدوین و تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری باشد تا در پرتو قانون جدید، اقدام به رفع خلاءها و اصلاح و بازنگری در ساختار نهادها، قضایی و به روز رسانی آنها و توجه به نیازهای روز جامعه و بازنگری در ترتیبات رسیدگی نماید و طرحی نو در آیین دادرسی کیفری کشور براندازد. تدوین آیین جدید دادرسی کیفری، پس از فراز و فرودهای فراوان، نهایتاً در مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۴ با ۵۷ رأی و ۲۱ تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب و در مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ به هیئت شورای نگهبان رسید و در اول اردیبهشت ۱۳۹۳ از سوی رئیس جمهور برای اجرا ابلاغ شد. اگر چه در ماده ۵۶۹ قانون جدید التصویب آیین دادرسی کیفری، مهلت قانونی برای اجرای لازم الاجرا شدن آن از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور پیش بینی شده بود، اما متأسفانه به دلیل آماده نبودن زیرساختهای لازم و امکانات و شرایط ضروری و تأخیر برای اجرای برخی از مقررات آن، اجرای این قانون به مورخه ۱۳۹۴/۴/۱ موکول گردید. ناگفته نماند که تا قبل از اجرای این قانون در تیر ماه ۱۳۹۴، ماده ۳۵ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به موجب قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ با اصلاح روبرو گردید و همچنین، ماده ۵۶ و ۵۷ تبصره در مورخه ۱۳۹۳/۷/۸ تحت عناوین بخشهای هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق گردید.

قانون آیین دادرسی کیفری جدید التصویب، از این جهت که به جهت سپری نشدن زمان طولانی از لازم الاجرای آن، هنوز اشکالات و ایرادات شکلی و اجرایی آن به

خوبی قابل لمس نیست، لکن به نظر می‌رسد که یکی از ایرادات این قانون در عرصه قانون نویسی، کثرت مواد و به ویژه تبصره‌های آن است. همچنین، مهیا نبودن کامل تمامی سازوکارهای لازم از حیث تشکیلات اداری و قضایی و به روز رسانی و بازنگری در ساختار شکلی مراجع قضایی و فراهم نمودن مقدمات دادرسی الکترونیکی و استخدام نیروی انسانی لازم اعم از قضات، کارمندان دادگستری، مشاوران، مددکاران اجتماعی و دیگر افرادی که حسب مورد در مرحله تعقیب و تحقیق و محاکمه و حتی اجرای کیفر، حضورشان مورد نیاز است، یکی از نکاتی است که احتمال ایجاد مانع بر سر اجرای صحیح، دقیق و سریع اصول و ترتیبات مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، وجود دارد. با این وجود، قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۲/۴ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ (با الحاقات مورخه ۱۳۹۳/۷/۸) نسبت به قانون سال ۱۳۷۸ دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، دارای محاسن، مزایا و نوآوری‌های متعددی است که موجب گشته است تا امید اجرای اصول دادرسی متصفانه و افزایش سرعت و دقت رسیدگی و رفع جهات اطاله دادرسی، بیش از پیش احساس گردد و موانع و عوائق و ایرادات و ابهامات قانونی سابق، با اجرایی شدن قانون جدید آیین دادرسی کیفری مرتفع شود.

بنظر می‌رسد که قانون جدید آیین دادرسی کیفری در حوزه‌های متعدد شکلی، از لحاظ تقنینی، موفق‌تر و بهتر از قانون سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۱ و حتی اصلاحی مورخه ۱۳۸۱ عمل نموده و پویاتر شده و با رفع برخی از ایرادات فواین سابق و با ایجاد نوآوری‌های جدید، از نکات مطلوب و قابل توجه تری برخوردار است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌نماییم:

تأسیس نهاد میانجیگیری قضایی (ماده ۸۲)، ضرورت رعایت حق در شهروندی و حقوق متهم، تجویز تأسیس دادرسی و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و پرونده شخصیتی برای آنها، تأسیس دادرسی‌های تخصصی و دادگاه الکترونیکی، تکنیک صریح مقام تعقیب از مقام تحقیق و متمرکز نمودن امر تحقیق در بازپرس، تفهیم حق دفاع با وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه، حق تعقیب دادستان در جرایم قابل گذشت با بزه‌دیدگان دارای شرایط ویژه، توجه مجدد به اعاده دادرسی خاص، بازنگری در قراردادهای تأمین کیفری و به ویژه زائل نمودن وصف الزام صدور قرار بازداشت‌های موقت در مورد متهمان عادی، پیش‌بینی توجه به نظام دادرسی الکترونیکی و وضع مقررات راجع به آیین دادرسی الکترونیکی، توجه به

۱۴ □ قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی

ترتیبات آیین دادرسی اشخاص حقوقی و جرایم رایانه‌ای، بازنگری و اصلاح آیین دادرسی نیروهای مسلح، افزایش مهلت واخواهی، حمایت قضایی از شهود و مطلعان و بزه‌دیده، ضرورت رعایت حقوق قانونی و تفهیم حقوق اصحاب دعوا و تمامی افراد دخیل در دعوای عمومی، حق طرح شکایت برای سازمان‌های مردم‌نهاد، صراحت در رعایت اصول متعددی همچون برائت (ماده ۴)، بی طرفی و استقلال مرجع قضایی و تسریع در فرایند دادرسی کیفری (ماده ۳)، اصل سکوت متهم (ماده ۱۹۷)، اصل انی و توافعی بودن محاکمه (۳۵۹ و ۳۵۲) و ...

مچنین، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، سازوکارهای مناسبی جهت حمایت قضایی بیشتر از متهم تصویب و طراحی شده است که مهمترین مصادیق آن را می‌توانیم در صورت رعایت و تفهیم حقوق متعدد همچون، حق سکوت متهم (مندرج ماده ۱۰۰ ق. آ. د. ک. ۹۲)، حق مشورت، ملاقات و همراهی با وکیل مدافع (ماده ۴۸ ق. آ. د. ک. ۹۲)، حق معاینه پزشکی (مندرج در ماده ۵۲ ق. آ. د. ک. ۹۲)، حق مطلع شدن ک فر با مقام کنسولی (ماده ۵۰ ق. آ. د. ک. ۹۲)، حق رعایت محدودیت زمانی سلب آزادی (مندرج در ماده ۴۶ ق. آ. د. ک. ۹۲)، حق اعتراض به سلب آزادی (ماده ۳۳۹ ق. آ. د. ک. ۹۲)، حق اطلاع رسانی به خانواده و دیگران از سلب آزادی متهم (مندرج در ماده ۳۰۰ ق. آ. د. ک. ۹۱)، تفهیم موضوع اتهام و ادله آن (ماده ۴۶ ق. آ. د. ک. ۹۲)، حق مطالبه جبران خسارت ایام بازداشت غیر قانونی (ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک. ۹۲) و ... احصاء نماییم.

با این وجود، یکی از پر حرف و حدیث ترین مفسره‌ای که در اصلاحیه مورخه ۱۳۹۴/۳/۲۴ به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۴ افزوده شد و اعتراض‌هایی از سوی کانون وکلا و برخی حقوقدانان به همراه داشت، موضوع تبصره ماده ۴۸ می‌باشد که مقرر کرده است در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند و اسامی وکلای مزبور برای انتخاب از سوی اصحاب دعوا، توسط رئیس قوه قضائیه اعلام خواهد شد. مع الوصف، نگارنده لازم می‌داند که در بیان ویژگی‌ها و مزایای کتاب حاضر، ذکر نکاتی چند را یادآوری نماید:

۱ - در کتاب پیش رو سعی نموده ایم تا در حد توان و بضاعت علمی، اقدام به شرح و بسط « ماده به ماده » قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ و اصلاحی ۹۴ و الحاقی ۹۳ نماییم و در قالب موارد زیر، رویه قضایی کشورمان، راجع به مباحث مربوط به قانون آیین دادرسی کیفری جدیدالتصویب را تشریح نماییم:

الف) تحلیل و تشریح ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری؛ مصوب ۹۲ و اصلاحی ۹۴:

یکی از منبتهای تحلیل ماده به ماده قانون مزبور آن است که این امکان را فراهم می نماید تا مخاطب ضمن آشنایی کامل با توضیحات ذیل هر یک از اصطلاحات حقوقی مستعمل در متعارف ماده، با ارئه نکات ضروری و تفاسیر، اقدام به توضیح راجع به مواد ابهام یا اجمال یا نقص ماده قانونی و نیز، بیان ایرادات و محاسن آن نماییم. علاوه برین، در تحلیل ماده به ماده قانون مزبور، ارتباط هر یک از مواد قانونی با یکدیگر، نمایش داده می شود.

ب) مطابقت هر یک از ماده قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ با ماده مربوط به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ و یا قوانین مربوطه ی سابق التصویب یا قوانین حذفی یا کیفری جدیدالتصویب:

یکی از اهداف مطالعه تطبیقی هر یک از مواد قانون جدید آیین دادرسی کیفری با قوانین جدید یا قدیم حقوقی یا کیفری، به ویژه مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، آن است که خواننده محترم با توجه به منطوق هر یک از مواد قوانین مذکور در توضیحات ذیل ماده قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ و اصلاحی ۹۴، در نگاه اول با وجوه اشتراک و افتراق تقنینی این قوانین با یکدیگر آشنا گردد و از نوع آوری ها و تغییرات حاصله در ماده قانون جدید آیین دادرسی کیفری مطلع شود.

ب) آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور:

از این جهت که آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در حکم قانون بوده و شرح و توضیح و تفسیر مفصل از نکات ابهام و ایراد یک مقرر قانونی را بیان می دارد، لهذا، نگارنده سعی نموده است تا حدالمقدور از جدیدترین آراء وحدت رویه ای که تا تاریخ نگارش اثر حاضر منتشر شده بود، در ذیل توضیحات مرتبط با مواد مربوط به قانون آیین دادرسی کیفری جدید، استفاده نماید تا مخاطب درک روشنی از شرح ماده مربوطه و تفاسیر آن حاصل نماید.

ب) نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، به عنوان نظرات و آراء ارشادی و منبع فرعی و غیر مستقیم حقوق کیفری، همواره نقش مهمی در تبیین و تفسیر مواد قانونی و رفع ابهامات و بیان نکات حقوقی داشته است. اگرچه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نسبت به آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، برای مراجع قضایی جنبه دستوری نداشته و لازم الاتباع قلمداد نمی شود، اما از این جهت که این نظریات حاوی نکات و توضیحاتی در بیان مواد قانون آیین دادرسی کیفری می باشد و در مقام تفسیر و رفع ابهامات برای مخاطبان و مراجع قضایی راهگشا است، لذا، نگارنده سعی نموده است تا در ارتباط با توضیحات ذیل هر یک از مواد قانون آیین دادرسی کیفری، این نظریات مشورتی این اداره، استفاده نماید.

ت) بخشنامه های رئیس قوه قضائیه و رأی دادگاه عالی انتظامی قضات:

بخشنامه های رئیس قوه قضائیه که اصولاً در ارتباط با موضوع یک یا چند ماده قانونی می باشد، یکی از دستورات عملی اجرای و درون سیستم مراجع قضایی قلمداد می شود که از جانب رئیس قوه قضائیه برای مراجع قضایی صادر می گردد تا به موجب آن، مراجع قضایی از تصمیمات و ارشادات و نکات مذکور در بخشنامه، در راستای اجرای صحیح قوانین بهره ببرند. در پرتو توجه به آن، نهایتاً، بهترین آثار و نتایج از اجرای قوانین حاصل گردد. مراجع قضایی را از معایب در شیوه اجرای قوانین آگاه نموده و سازوکار لازم برای ترتیبات اداری - قضایی در درون تشکیلات قضایی فراهم نماید. بنابراین، بیان بخشنامه های رئیس قوه قضائیه به مراجع قضایی در ارتباط با یک موضوع مربوطه به قانون آیین دادرسی کیفری و در توضیحات ذیل ماده مربوطه، موجب آشنایی مخاطب با نکات مذکور می گردد. به همین دلیل، همواره این امکان وجود دارد که قضات دادرسی و دادگاههای کیفری از تحلیف مقرر در مواد مربوط به قانون آیین دادرسی کیفری تخلف نمایند. لذا، اشاره به این آراء سابق الصدور دادگاه عالی انتظامی قضات راجع به تخلفات انتظامی از تکالیف محرره قانونی در ذیل مواد قانون آیین دادرسی کیفری مربوطه، خالی از لطف نخواهد بود.

ث) نظریات دکترین حقوقی:

دکترین حقوقی به عنوان یکی از فعالترین و مهمترین مفسران و شارحان قوانین هستند و نقش و جایگاه مهمی در تفسیر و شرح و بسط قوانین دارند. نظریه های دکترین حقوقی اگرچه منبع فرعی حقوق کیفری را تشکیل می دهد و آراء و نظرات

صاحبان فن و علم در این زمینه، حکم ارشادی محسوب می‌شود، لکن، دیدگاه‌ها و آراء اندیشمندان حقوقی موجب می‌شود تا معایب و محاسن و آثار و تبعات قوانین مصوبه هر چه زودتر روشن گردد تا مقنن، با آگاهی و الهام از دیدگاه‌های مربوطه، اقدام به اصلاح معایب قوانین حقوقی و کیفری و تصویب قوانین کارآمدتر و به روز تر و کم نقص تر نماید و دادرس مراجع قضایی نیز، با بهره گیری از تفاسیر و تحلیل‌های ارائه شده از سوی دکترین حقوقی درباره مواد قانونی، تصمیم بهتری در دعوای مطروحه اتخاذ نماید. این امر سبب گشته است که نگارنده تا حدالمقدور در تدوین و دادرش اثر حاضر، از دیدگاه‌ها و نظرات مطروحه در مورد هر یک از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ و اصلاحی ۹۴ استفاده نماید تا مخاطب را از دیدگاه‌های مطروحه در مورد مواد قانونی مطلع سازد.

در اختتام کلام لازم به اشاره است که اثر حاضر، بی شک خالی از عیب و نقص علمی نیست و از این رو، امید است تا خوانندگان محترم و صاحب نظران حقوقی و استادان بزرگوار صاحب نظر در زمینه دادرسی کیفری، تمامی نواقص و ایرادات و ضعف‌های علمی موجود در این اثر را بر نگارنده ببخشند. سخن پایانی آنکه، بر نویسنده واجب است تا از خانواده‌ی عزیزی که بنده را در مسیر نگارش این اثر یاری نموده اند، کمال سپاس و قدردانی را بجا آورم. همچنین لازم است از همکاری انتشارات حقوقی مجد و مساعدت آقای دکتر میدا س - سینی نیک، به جهت ایجاد تسهیلات در امر انتشار کتاب حاضر، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم. با آرزوی تحقق عدالت در جهان و تلاش روز افزون مجریان عدالت در حمایت از مظلومان.

می‌الله التوفیق

سید بایرامی

خرداد ۱۳۹۵